

جنبش وال استریت و شعار اشغال کنگره!

گامی تازه

تقی روزبه

فشار پلیس آمریکا به جنبش وال استریت در سراسر آمریکا و در ایالت ها و شهرهای مختلف آن گسترش بی سابقه ای یافته است. حمله به اماکن و کمپ های اشغال شده و سایر نقاط تجمع، جمع آوری چادرها، دستگیری های گسترده صدها نفری و بکارگیری خشونت و مجروح و مصدوم ساختن معترضان، بخشی از این تهاجمات پلیس به شمار می رود. فیلم پاشیدن خونسردانه اسپری به چشمان دانشجویان متحصن که سبب خشم میلیونها بیننده شد، تنها گوشه ای از خشونت های بکاررفته است.

در چنین شرایطی جنبش اشغال و استریت در گامی جدید با شعار اشغال و بازپس گیری کنگره آمریکا در شهرواشنگتن گام تازه ای را در تعمیق مبارزات خویش برداشته است. تمرکز اصلی جنبش در ادامه تاکتیک جدید خود، متوجه ساختمان ها و اماکن استراتژیکی در حد فاصل ساختمان کاخ سفید و کنگره است که مرکز لابی گری و رایزنی های سیاسی طبقه سیاسی حاکمه است.

باین ترتیب اگر اشغال وال استریت نماد آماج قرار دادن وجوه اقتصادی طبقه حاکم بورژوازی و در رأس آن سرمایه مالی و بورس بازبوده است، شعار اشغال کنگره و تمرکز در منطقه اقامت کارگزاران سیاسی سرمایه نشان دهنده هدف گرفتن وجه سیاسی نظام مسلط است که در کل تصویر جامع تری از کلیت مبارزه سیاسی و اقتصادی و رابطه جداناپذیر پیکره اقتصادی و سیاسی طبقه حاکم و نفوذ بلامنازع وال استریت و سرمایه مالی بر قدرت و دستگاه سیاسی است. بی شک در هیچ مبارزه طبقاتی واقعی عرصه اقتصادی و سیاسی نمی تواند از هم جدا باشد. از قضا یکی از ویژگی های جنبش های جدید، پایان دادن به اگسست و افسانه جدائی بین مبارزه برای مطالبات معیشتی-اقتصادی از مبارزه سیاسی است. گسستی که از قبل آن سرمایه داری توانسته است مبارزات منفرد و غیرسیاسی مانده طبقه کارگر را به باتلاق رفرمیسم روانه سازد. در شرایطی که کل زندگی و همه حوزه های اجتماعی مورد تاخت و تاز سودجویی قرار گرفته و به کالاتبدیل شده است، پایان دادن به این نوع دوگانگی ها از شروط اساسی جنبش های ضد سرمایه داری است.

یکی دیگر از مهمترین دست آوردهای این جنبش در برگزاری تجمعات اخیر خود در واشنگتن، جلب حمایت اتحادیه بین المللی کارگران بخش خدمات عمومی است که از بزرگترین اتحادیه های ایالات متحده محسوب می شود. قبلا نیز شاهد پیوند این جنبش با برخی اتحادیه های مزد و حقوق بگیران اوکلند و یا بعضا در نیویورک بوده ایم که در مجموع نشان دهنده گام مثبتی است که در جهت پیوند بخشهای مختلف طبقه بزرگ استثمارشونده و جنبش های مختلف و در راستای تحقق شعار 99 درصدی ها در برابر یک درصدی ها است. بهر حال بدون پیوند بخش های مختلف جنبش مزد و حقوق بگیران اعم از بیکاران و کم کاران و حتی بی خانمان ها و طردشدگان با کارگران شاغل در بخش های گوناگون و هم چنین با جنبش زنان و دانشجویان و روشنفکران مترقی و جوانان، امکان شکل گیری یک جنبش گسترده توده ای که قادر به تحمیل مطالبات خود به بورژوازی و تداوم راه پیمائی خود برای ایجاد جهانی دیگر، ممکن نیست.

از همین رو بسیاری بر ضرورت پیوند خیابان با کارخانه ها و ادارات، و بی خانمان ها و طردشدگان جامعه و یا بردن آن به درون خانه های مردم و یافتن راه کارهای مؤثر و ابتکاری برای سراسری کردن مجامع و فضا مکان های اشغال شده-هم نفوذ افقی هم عمقی- تأکید می کنند. چرا که بدون توجه به آن بیم مصادره و یافرسوده زمین گیر شدن جنبش-تاکتیک های اصلی بورژوازی برای از کار انداختن آن- وجود دارد.

از سوی دیگر علیرغم گسترش سرکوب و فشار با توجه به تشدید بحران روزافزون بحران اقتصادی در چهارگوشه جهان و از جمله در خود آمریکا و سیاست های راست روانه بخش نیرومندی از طبقه سیاسی حاکم بویژه جمهوری خواهان و مس آله رقابت های انتخاباتی پیشرو، بعید است آنگونه که رسانه های انحصاری سرمایه داران تبلیغ و ادعای کنند جنبش فروکش کند و افت و خیزهای مقطعی ناشی از سرکوب را نمی توان نشانه ای بر صحت آن دانست. اینها در واقع بخشی از جنگ روانی-تبلیغاتی بورژوازی و قدرت های حاکم با هدف دلسرد و نا امید کردن مردم است.

اعتراض کنندگان در شهر واشنگتن، پایتخت سیاسی آمریکا، از تاکتیک های گوناگونی از تح سن در مقابل منطقه چمن جلوی کنگره، تاتحصن و تجمع دفتر سخنگوی کنگره ویا دفتر رهبر اقلیت کنگره و تا مسدود کردن رفت و آمد در تقاطع های این محدوده حساس و واشنگتن استفاده می کنند. در برخی نقاط هم صحبت از تاکتیک اعتصاب سراسری است که در صورت فراهم شدن زمینه وقوع و فراگیر شدن آن بی تردید گام مهمی برای اعمال فشار به طبقه حاکم و توده ای شدن دامنه جنبش خواهد بود.

شعارهایی چون اشغال وال استریت و اشغال کنگره و یا خانه مردم را پس بگیرید و اشغال اماکن دیگر و برپائی مجامع عمومی خود در تمامی عرصه های زندگی، اصلی ترین تاکتیک است که جنبش ضد سرمایه داری برای در هم شکستن تهاجم بورژوازی به زندگی و معیشت مردم و از جمله سیاست های موسوم به ریاضت اقتصادی و گشودن راه پیشروی خود به سوی اهداف بالاتر بکار می گیرد. این تاکتیک چیزی جز باز پس گیری فضا-مکان های بی شماری نیست که سرمایه با اشغال خود در آورده است. هدف اصلی تغییر این یا آن سیاست نیست بلکه تغییر کل سیاست ها و کل مناسبات اجتماعی و لاجرم همانطور که شعار آن داده می شود ویران کردن لانه بورژوازی و دشمنان مردم زحمتکش است. با این همه باید تأکید کرد که بجز جهت گیری های کلی هیچ چیز چه اهداف شفاف و روشن و چگونگی پیشروی و تاکتیک از قبل تعیین شده نیست. بلکه همه آنها در متن حرکت و توسط تغییر دهندگان جهان و محک زدن آنها در عمل پرورده و همه گیری می شود. مهم آنست که در دل بحران بزرگ سرمایه علاوه بر سوبیه سرمایه که همیشه فعال و همه کاره بوده اند، سوبیه دیگری نیز فعال شده و دارد به میدان می آید. در دل این گونه جنبش هاست که تسویه با تجارب ناموفق قرن گذشته، آزمون راه های نو برای پیشروی و در هم شکستن شماری از کلیشه های جان سخت، صورت می گیرد. جنبش های رهائی بخش همیشه با بن بست شکنی ها و ارائه افق های نو و غافلگیر کننده همراه هستند.

بی تردید جنبش ها و مردم در حین مبارزه برای تغییر شرایط است که ره صدساله می پیمایند و قادر به خوددگرگونی و کسب آگاهی و عزمی می شوند که در شرایط سکون و بی حرکتی دست یابی به آنها ناممکن است. در شرایط سکون این بورژوازی است که به باز تولید عناصر و عوامل چرخه حیاتی خود و حل بحران بسود خویش می پردازد، ولی با به صحنه آمدن انسان خواهان تغییر و خواهان جهانی دیگر و معترض به استثمار و تبااهی انسانها، چرخه این باز تولید دچار وقفه و گسست شده و بحران حاکم می تواند در راستای شکوفائی او حل و فصل شود. آن چه را که امروز آغاز شده است تنها باید نقطه شروع یک راه پیمائی بزرگ و طولانی دانست که ولو آنکه با افت و خیز همراه باشد، متوقف نخواهد شد و در جریان حرکت و تجارب خویش تعمیق بیشتری خواهد یافت. مردم در حین حرکت می آموزند، و خود و شرایط حاکم بر خود را دگرگون می کنند و دارای افق ها و امیدهای جدید می شوند.

1390-09-20 11-12-2011

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.com/>